

مصر از نگاه سفرنامه نویسان ایرانی در دوره قاجاریه
از ابتدای دوره قاجار تا انقلاب مشروطه (۱۳۲۵-۱۲۱۰ ه.ق)

مهدی ساوه شمشکی^۱

داریوش رحمانیان^۲

نظامعلی دهنوی^۳

رسول عربخانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲

چکیده

با حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۲۱۳ ه.ق و شکست دادن ممالیک و فتح مصر شوک بزرگی به مسلمانان مصر وارد شد و آنها با مقایسه وضعیت خویش با دنیای غرب به این نتیجه رسیدند که حقیقتاً دچار انحطاط شده‌اند. حمله ناپلئون به مصر مبادا تجددگرایی و سرآغاز نوگرایی و شرق‌شناسی و یک نقطه عطف در تحولات تاریخی می‌باشد. هفت سال پس از این حمله، محمد علی پاشا در مصر به قدرت رسید. استقرار حکومت او آغاز عصر جدیدی در تاریخ مصر است. در دوران او و جانشینانش اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مهمی در این سرزمین به وجود آمد و فرآیند نوسازی در مصر آغاز گردید. ایرانیان از گذشته‌های دور به جهت پیوندهای دینی، تمدنی و تجاری با مصر در رفت و آمد با این سرزمین بودند به دلیل این مشترکات در طول تاریخ ایرانیان به طور موقت و یا دائم در سرزمین مصر حضور داشته‌اند. از طرفی مصر به ویژه در دهه آخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در مسیر اصلی کاروان‌های حج قرار داشت و این امر سبب رفت و آمد ایرانیان بیشتری به این سرزمین می‌شد. لذا سفرنامه‌هایی توسط ایرانیان که مصر را مورد بازدید و یا توجه قرار دادند نگاشته شد. فقدان اثری خاص در این باب باعث شد که نگارنده تلاش کند به این مهم بپردازد. در این پژوهش به تحلیل کمی سفرنامه‌های ایرانیان با موضوع مصر، مسیرهای سفر به مصر توسط ایرانیان، نخستین تصویرها و روایت‌ها از مصر در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجاریه، بررسی وضعیت ترقی در مصر با ایران از منظر سفرنامه نویسان ایرانی، توصیف شهرهای مصر توسط سفرنامه نویسان ایرانی و رویکرد انتقادی به اصلاحات در مصر پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مصر، ایرانیان، دوره قاجاریه، انقلاب مشروطه، سفرنامه نویسان

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mehdisaveh1982@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

rahmanian@ut.ac.ir

^۳ استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

dehnavi@pnu.ac.ir

^۴ استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

rasoularabkhani@pnu.ac.ir

جنگ های ایران و روس و تحمیل دو معاهده گلستان در ۱۲۲۸ ه.ق و ترکمانچای در ۱۲۴۳ ه.ق و شکست ایران در عرصه های نظامی، دیپلماتیک و سیاسی ضعف، ناتوانی و عقب ماندگی ایران عصر قاجاریه را برای نخبگان آشکار نمود. چندین سال قبل از آغاز این جنگها، در سال ۱۲۱۳ ه.ق ناپلئون به مصر حمله برد و در نبرد اهرام، ممالیک مصر را شکست داد و مصر را فتح نمود. با این حمله شوک بزرگی به مسلمانان مصر وارد شد و آنها با مقایسه وضعیت خویش با دنیای غرب به این نتیجه رسیدند که حقیقتاً دچار انحطاط شده‌اند. حمله ناپلئون به مصر مبدا تجدید گرایی و سرآغاز نوگرایی و شرق شناسی و یک نقطه عطف در تحولات تاریخی می باشد. هفت سال پس از این حمله، محمد علی پاشا در مصر به قدرت رسید. استقرار حکومت او آغاز عصر جدیدی در تاریخ مصر است. در دوره او و جانشینانش اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مهمی در این سرزمین به وجود آمد. ایران و مصر از گذشته های دور پیوندهای عمیق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر داشتند. سرزمین مصر از گذشته دور با ایران در ارتباط بود و سابقه تاریخی آن به دوره هخامنشیان برمی گردد. ورود کمبوجیه هخامنشی به مصر سپس داریوش به آنجا آغاز ارتباطات میان ایرانیان و مصریان بود و این ارتباط در ادوار مختلف تاریخی، به سبب اشتراکات فرهنگی، دینی و قدمت تمدن ادامه یافت البته در مواردی این مناسبات منجر به تنش و دشمنی میان این حکومتها (مصر و ایران) شده است که شدت این تنشها در دوره حکومت مغولان در ایران و ممالیک در مصر بیش از پیش است. به دلیل این مشترکات در طول تاریخ ایرانیان به طور موقت و یا دائم در سرزمین مصر حضور داشته اند. از طرفی مصر به ویژه در دهه آخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در مسیر اصلی کاروان های حج قرار داشت و این امر سبب رفت و آمد ایرانیان بیشتری به این سرزمین می شد. نگارش سفر نامه های حج که در آن مصر مورد بازدید ایرانیان قرار گرفته است اطلاعات مفیدی را از نگاه ایرانیان به این سرزمین ارائه می دهد. این نکته مهم قابل درک است که از جمله راههایی که ایرانیان آشنایی بیشتری با مظاهر تمدنی غرب پیدا می کردند مسافرت به کشورهای اروپایی و شوراهایی بود که مظاهر تمدنی را دارا بودند. علاوه بر خود اروپا، کشورهای روسیه، عثمانی و مصر نیز دارای این ویژگی بودند؛ زیرا این کشورها علاوه بر داشتن مظاهر تمدنی غربی به ایران هم از نظر بعد مسافت نزدیکتر بودند. در این بین مصر به جهت مسلمان بودن اکثریت مردم آن و تسامح دینی در این سرزمین، برای ایرانیان از اهمیتی دوچندان برخوردار بود. اهمیت شناخت تأثیرپذیری ایرانیان از تحولات درون مصر به خاطر راههای ارتباطی میان این دو سرزمین می طلبد که پژوهشی جامع در این حوزه به رشته تحریر درآید. فقدان اثری خاص در این باب باعث شد که نگارنده تلاش کند به این مهم بپردازد. لذا این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال اصلی است که تحولات مصر در حوزه سیاسی و اجتماعی و تأثیر آن بر جامعه ایران در دوره قاجاریه از نگاه سفرنامه نویسان ایرانی که مصر آن زمان را مورد توجه قرار داده اند چگونه بوده است؟ به نظر می رسد نزدیکی جغرافیایی ایران به مصر و عبور و مرور مسافران ایرانی به ویژه حجاج از آن کشور باعث شد که اصلاحات سیاسی و اجتماعی در مصر که سرزمینی مسلمان نشین و به نوعی

متجدد دوره محمد علی پاشا و جانشینانش بود از نگاه اندیشه‌شگران ایرانی به دور نما‌ند و این تحولات تأثیر چشمگیری بر جامعه ایران در دوره قاجاریه و به‌خصوص در آستانه انقلاب مشروطیت بگذارد.

تحلیل کمی سفرنامه های دوره قاجاریه با موضوع مصر

در بررسی ها و جستجوهای صورت گرفته سه سفرنامه با عنوان سفرنامه مصر در بازه زمانی آغاز دوره قاجاریه تا انقلاب مشروطه نوشته شده است. دو سفرنامه از سفرنامه های مذکور را اکرم حسن آبادی تصحیح و در داذشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان چاپ نموده است که نخستین آن سیاحتنامه مصر و اسلامبول نوشته میرزا محمود خان حسینی (نعمت فسائی) است که در سال ۱۳۱۷ ق نوشته شده است و دومین سفرنامه را پورت و کتابچه در سیاحت مصر و بیان هرمان نوشته میرزا محمد مهندس است که در سال ۱۲۹۶ ق به رشته تحریر درآمده است. سومین سفرنامه، سفرنامه ای با عنوان سفرنامه شام و مصر تالیف مولفی نامعلوم است که در سال ۱۲۵۶ ق نگارش شده است و رسول جعفریان در نشریه پیام بهارستان آنرا تصحیح و به چاپ رسانده است. از طرفی نسخه ای خطی با عنوان سفرنامه مصر نوشته یوسف فروتن در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی مشاهده گردید که نگارش آن مربوط به سال ۱۳۴۵ ه. ق (۱۳۰۵ ه. ش) است و اگرچه مربوط به بازه زمانی دوره قاجاریه نیست اما چون در سال اول دوره پهلوی اول نوشته صورت گرفته است و مقدمات سفر مربوط به اواخر دوره قاجاریه است می تواند حائز اهمیت باشد. با بررسی های صورت گرفته مشخص گردید علاوه بر سه سفرنامه مذکور که دارای عنوان مصر است بهترین سفرنامه ها که در آن سرزمین مصر بازدید شده و گزارش آن نوشته شده است سفرنامه های حج، مکه یا عناوین مشابه است.

در بین سفرنامه ها سه کتاب زین العابدین شیروانی با عناوین بستان السیاحه (تالیف ۱۲۴۸ ق)، حدائق السیاحه (تالیف ۱۲۴۲ ق) و ریاض السیاحه (تالیف ۱۲۳۷ ق) در جهات بسیاری حائز اهمیت است. نویسنده که از قطب های صوفیان نعمت الهی بوده مدت ۱۸ سال به مناطق مختلف جهان از جمله مصر سفر کرده و در سال ۱۲۲۹ به وطن بازگشته است (شیروانی، بی تا: ۱۱). مشاهدات خود را پس از چندین سال از پایان سفرها به رشته تحریر درآورده است. این سه کتاب حاوی اطلاعات بسیار مهمی از شهرها و مناطق مختلف مصر است که نویسنده از آنها بازدید کرده است همچنین اطلاعات مفیدی درباره محمد علی پاشا و ابراهیم پاشا در این کتابها وجود دارد. متأسفانه بخش زیادی از کتاب ریاض السیاحه از بین رفته است که بخش مهمی از آن حاوی مطالب مهمی درباره مصر بوده است. از دیگر سفرنامه ها کتاب تحفه العالم (سفرنامه و خاطرات) میرعبداللطیف شوشتری است که با اینکه این کتاب یک سفرنامه هند است اما اطلاعات مفیدی درباره حمه ناپلئون به مصر و مقایسه حضور فرانسوی ها در مصر با انگلیسی ها در هند در آن به چشم می خورد. همچنین هرأت الاحوال جهان نهای آقا احمد کرمانشاهی با اینکه یک سفرنامه عتبات است اما مطالب مفیدی درباره مصر و تسلط فرانسویان بر آن و آثار تاریخی مصر دارد. سفرنامه دیگر سفرنامه حاجی محمد علی پیرزاده نائینی است که سفرنامه حج نیست اما نویسنده در آن

از مصر دیدن کرده است مسیر طالبی سفرنامه دیگری است که ابوطالب بن محمد اصفهانی در دوره فتحعلی شاه نوشته است هرچند سفر سفر فرنگ است و نویسنده در آن از مصر دیدن نکرده است اما اطلاعات مفیدی از جمله ناپلئون به مصر و روی کار آمدن محمد علی پاشا ارائه می دهد. از دیگر سفرنامه های مهم سفرنامه رضاقلی میرزا نایب الایاله نوه فتحعلی شاه و فرزند حسینعلی میرزا فرمانفرما است که نویسنده در طول سفر به لندن از شهر اسکندریه مصر بازدید می کند و مطالبی مفیدی درباره این شهر و همچنین برخی اقدامات محمد علی پاشا به ویژه اصلاحات نظامی او در آن به چشم می خورد نسخه ای خطی به نام رموز السیاحه نوشته نجفقلی میرزا والی برادر رضاقلی میرزا در فهرست کتابخانه ملی موجود است که با اینکه نویسنده برادر رضاقلی بوده و با او در این سفر همراه است اما مطالب این نسخه در بسیاری از موارد با سفرنامه رضاقلی میرزا متفاوت است و نکته حائز اهمیت مطالب مربوط به مصر است که بسیار کاملتر و با ذکر جزئیات بیشتری است. در خصوص بازدید از مصر در سفرنامه های مورد بررسی قرار گرفته جمعا در ۳۵ سفرنامه حداقل از یک شهر مصر بازدید شده است که در ۲۴ سفرنامه حداقل سه شهر مصر مورد بازدید قرار گرفته است. (سفرنامه های زین العابدین شیروانی در این بخش یک سفرنامه در نظر گرفته شده است) نخستین کسی از مصر بازدید نمود و اقدام به نگارش گزارش سفر خود نمود حاج زین العابدین شیروانی است که با توجه به زمان تحریر ریاض السیاحه به عنوان نخستین کتاب از کتابهای سه گانه او که ۱۲۳۷ ق است می توان گفت اولین بازدید نگارش یافته از مصر این زمان است هرچند سفر او به مصر سالها قبل از نگارش این کتاب صورت گرفته است. در دوره محمد شاه رضاقلی خان نایب الایاله و برادرانش نیز از اسکندریه بازدید کردند (۱۲۵۳ ق) و مولف نامعلوم سفرنامه شام و مصر در سال ۱۲۵۶ ق نیز مصر را مورد بازدید قرار داد. در دوره ناصری اولین سفرنامه نویسی که مصر را مورد بازدید قرار داد حج منصور نوشته یعقوب میرزای تبریزی که نویسنده امیرزاده ای تبریزی بوده و در این سفر که در سال ۱۲۸۵ ه. ق انجام شده است برخی شاهزادگان قاجار از جمله یکی از فرزندان و خواهر موید الدوله (مویدالدوله طهما سب میرزا فرزند دوم محمد علی میرزا دولتشاه فرزند فتحعلی شاه قاجار) با او همراهی می کردند. هرچند زین العابدین شیروانی از شهرها و مناطق دیگری از مصر در سفرنامه های خود یاد می کند اما به ویژه از دوره ناصری ۵ شهر اسکندریه، پرت سعید، قاهره، سوئز (سویس) و اسماعیلیه ۵ شهر اصلی مصر در سفرنامه های ایرانی هستند (شهرهای پرت سعید و اسماعیلیه تازه تاسیس بوده در دوره خدیوان سعید پاشا و اسماعیل پاشا تاسیس شده است که همزمان با دوره ناصرالدین شاه در ایران است) که ۶ سفرنامه نویس یعقوب میرزای تبریزی در سفرنامه حج منصور ۱۲۸۵ ه. ق، حاج محمد علی سیاح در سفرنامه مکه، ناصر السلطنه میرزا نصرالله طباطبایی دیبا در سفرنامه مکه و فرنگ ۱۳۱۷ ه. ق، میرزا عبدالحسین خان افشار در سفرنامه مکه ۱۲۹۹ ه. ق و فرهاد میرزا معتمد الدوله در هدایه السبیل و کفایه الدلیل ۱۲۹۲ ه. ق هر پنج شهر مهم مصر را دیدن کرده اند.

در برخی از سفرنامه های حج که مورد تحلیل قرار گرفته است هرچند سرزمین مصر بازدید نشده است اما اطلاعاتی درباره محل های مصری در آئین حج (محمد ولی میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۵۲۳ و علی حسین بن خیرات

علی، ۱۳۸۹: ۶۳۳)، مبارزات خدیوهای مصر با وهابیان و توصیف برخی خدیو ها و شاهزادگان مصر نظیر ابراهیم پاشا (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹: ۷۶۴)، مبارزات محمد علی پاشا در یمن (شاه جهان، ۱۳۸۹: ۱۹۰ و علی اصغر خان اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹: ۷۶۴) و تعویض پارچه سیاه کعبه از سوی مصریان (خیرات علی، ۱۳۹۵: ۳۱۴) وجود دارد. در سفرنامه کیکاووس میرزا با اینکه او مصر را بازدید نکرده است اما چون از مسیر شام به حج می رود و شام در آن موقع تحت تصرف محمد علی پاشا والی مصر بوده است او را مورد تمجید قرار داده و رفتار او با حجاج ایرانی را تحسین می کند «امیر حاج شام از جانب محمد علی پاشای مصری - خلد الله ملکه - تعیین می شود سنوات سابق از سلطان روم تعیین می شد از هنگامی که شام و مکه معظمه و مدینه طیبه و سایر بلاد که مخصوص پاشای مذکور شد دست سلطان [عثمانی] از احکام آن صفحات کوتاه شد ... و عدالت را پیشنهاد خود نمود ... عالمی را در مهد امن و امان درآورد و راحتی که در زمان حجاج نمود گویا در بلاد خود به این قسم راحت را ندید و نخواهد دید نهایت رفتار را با غربا به خصوص با عجم می کنند حسب الحکم نافذان نیک ذات کسی را با کسی سخنی و تعدایی و زیادتی نیست.» (کیکاووس، ۱۳۹۴: ۵۳۹) او در قسمت دیگری او با آرزوی طول عمر برای محمد علی پاشا بازهم از راحتی حجاج در حکومت او یاد می کند «الحق بر مترددین و حجاج بیت الله الحرام در عصر محمد علی پاشا - طول الله عمره - زیاده از حد در مملکت آن خوش می گذرد و سرپرستی ها می کنند در نهایت نظم و نسق» (همان: ۴۵۷) بنا به روایت زین العابدین شیروانی محمد علی پاشا رسم درمه گرفتن (باج گرفتن) از حجاج عجم (ایرانی) در مکه را متوقف کرد. (شیروانی، بی تا: ۴۱۱) و در مصر محمد علی پاشا مقرر کرد به فقرا و بینوایان مصری و مسافرین مستحق غیر مصری ماهیانه به ازای هر نفر دوازده درهم نقدی همراه با مقداری مواد غذایی بدهند (شیروانی، ۱۳۷۰: ۶۶۴) از سفرنامه های مورد بررسی قرار گرفته ۶ سفرنامه مربوط به دوره فتحعلی شاه، ۹ سفرنامه مربوط به دوره محمد شاه، ۳۲ سفرنامه مربوط به دوره ناصری و ۲۰ سفرنامه مربوط به دوره مظفری است. از نظر سال نگارش سفرنامه سال ۱۳۱۷ ه.ق. با هفت سفرنامه بیشترین سفرنامه را در دوره مورد بررسی دارد و پس از آن در سالهای ۱۲۵۳، ۱۲۹۲، ۱۲۹۷ و ۱۲۹۹ ه.ق. هرکدام سه سفرنامه در دوره مورد بحث و از سفرنامه های بررسی شده نگاشته شده است.

بررسی آماری این سفرنامه ها نشان می دهد که مصر بیش از هر گروهی مورد توجه شاهزادگان و درباریان قاجار بوده است و مردم عادی که به سفر حج می رفتند کمتر مصر را مورد توجه قرار می دادند. در مورد علای دینی صوفیان و امرای محلی توجه به مصر نسبت به شاهزادگان و درباریان کمتر و نسبت به مردم عادی بیشتر بوده است.

نخستین تصویرها و روایت ها از مصر در سفرنامه های ایرانی دوره قاجاریه

نخستین روایت در سفرنامه های مورد بررسی قرار گرفته در خصوص مصر مربوط تحفه العالم و ذیل التحفه، سفرنامه و خاطرات میرزا عبدالطیف شوشتری است که در سال ۱۲۱۶ ه.ق. به رشته تحریر درآمده است. نویسنده

سفرنامه که از هند بازدید کرده و مدتی در این سرزمین اقامت نموده است ضمن مقایسه حضور فرانسوی ها در مصر با حضور انگلیسی ها در هند به انتقاد از حضور فرانسوی ها در مصر پرداخته و هدف ناپلئون را از حمله به مصر ضمیمه کردن آن به خاک خود و حمله به هندوستان بیان می دارد: « فرانس را مقصود اصلی و مطلب کلی از گرفتن مصر این است که مملکتی مثل ام‌البلاد مصر را که از کثرت آبادی و وسعت مملکت تمامی بلدان عظیمه را به آن تشبیه کنند و به وفور نعمت شهره آفاق است، داخل در ضمیمه ملک خویش سازند و اسکندریه که بندر مصر و در ساحل بحر روم-که از یورپ به افریقه و کناره مصر جاری است-واقع شده تا سویس [سوئز] که آن نیز بندر مصر و بر ساحل بحر هند و عمان واقع است، و هفده هیجده فرسخ زمین است، آن قطعه زمین را از میان بردارند تا بحر روم و بحر هند بهم متصل گردند و رفت و آمد از فرنگ به هند آسان شود. آنگاه فرانسویان که بر ساحل بحر روم پایتخت دارند به جهازات جنگی درآیند و با انگریزه در هندوستان محاربه کنند و این ملک را نیز متصرف شوند. » (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۴۹) نویسنده در ادامه به کمک خواهی دولت عثمانی از انگلیس برای مقابله با فرانسوی ها در مصر اشاره دارد « چون پادشاه روم از جماعت انگلیس سیه در باب استرداد مصر استمداد نمود، و نیز محافظت هندوستان و بنگاله منظور نظرشان بود، جهازات جنگی بسیاری از انگلستان به اسکندریه آمده ساخلمی باشند [ساختن دژ یا پادگان نظامی] که دیگر فرانسویان مصری را همد نرسد » (همان: ۲۵۰) و در نهایت جنگ فرانسه و انگلیس در مصر را بیان می داشته (همان: ۲۵۱) و در نهایت مطالب مربوط به مصر میرعبدالطیف شوشتری با توصیف اهرام مصر به پایان می رسد (شوشتری، ۱۳۶۳: ۳۳۱).

گزارش بعدی در سفرنامه نویسان ایرانی مربوط به مصر سفرنامه مسیر طالبی میرزا ابوطالب خان است. در اوایل خرداد دوم این سفرنامه که در سال ۱۲۱۹ ه.ق نوشته شده است در ذیل جنگهای فرانسه ناپلئون با انگلستان که شروع آنها در سال ۱۷۹۴ م (۱۲۰۹ ه.ق) بود به جنگ آنها در سال ۱۷۹۹ م (۱۲۱۴ ه.ق) در ساحل رود نیل مصر اشاره دارد (میرزا ابوطالب خان، ۱۳۹۵: ۲۹۱) سپس همین نویسنده اوضاع مصر و شام را بعد از فتح ناپلئون بازگو می کند ناپلئون یک روزه اسکندریه را فتح می کند و به سوی قاهره حرکت می کند که در آنجا ممالیک و ترکمانان با سنگ و چوب مقابله می کنند اما در مقابل گلوله توپ و تفنگ فرانسوی ها شکست خورده بعضی از ممالیک به فرانسوی ها پیوسته و برخی دیگر با ترکمانان به قسطنطنیه رفتند (همان: ۲۹۵) گزارش بعدی در باره مصر در سفرنامه نویسان ایرانی مربوط به مرآت الاحوال جهان نما آقا احمد کرمانشاهی است که در سال ۱۲۲۵ ه.ق نوشته شده است این نویسنده نیز مانند شوشتری به انتقاد از حضور فرانسوی ها در مصر پرداخته و از حضور انگلیسی ها در هند تمجید می کند در این سفرنامه مطالب ارزنده ای نیز در باره جغرافیای مصر و حاکمان آنجا (کرمانشاهی، ۱۳۷۳: ۶۷۲)، کمک خواهی دولت عثمانی از انگلیس برای مقابله با فرانسه در مصر (همان: ۶۸۰) و توصیفی از اهرام تلاله مصر (کرمانشاهی، ۱۳۷۳: ۷۵۰) به چشم می خورد. شرحی یک صفحه ای از زندگی ابراهیم پاشا فرزند محمد علی پاشا و غلبه محمد علی پاشا بر وهابیان در مدینه در سال ۱۲۲۷ ه.ق تصویر بعدی از مصر در سفرنامه های دوره قاجاری است که توسط میرزا علی خان اعتماد السلطنه انجام گرفته است (میرزا علی خان

اعتماد السلطنه ، ۱۳۸۹ : ۷۶۴-۷۶۵) خبر بعدی در خصوص مصر در سفرنامه های مورد بررسی قرار گرفته در تذکره الطریق حافظ محمد عبدالحسین کرناطکی است که در سال ۱۲۳۱ ه.ق نوشته شده نویسنده در این کتاب به اطلاعات مفیدی از درگیری های وهابیان با مصریان اشاره دارد نویسنده در جریان رفتن از مدینه به مکه با نیروهای مصری و حتی ابراهیم پاشا فرزند محمد علی پاشا دیدار داشته و سخت در آرزوی نابودی وهابیان است (کرناطکی ، ۱۳۸۹ : ۲۵۶ و ۴۳۳).

بررسی مقایسه ای وضعیت ترقی در مصر با ایران از منظر سفرنامه نویسان ایرانی

در بین سفرنامه ها نویسندگان به خصوص کسانی که از مدیران مملکت ایران بودند با نوعی نگاه مقایسه ای به مسائل نگریسته و تلاش می کردند تا میان آنچه در ایران می گذرد با آنچه در روسیه ، عثمانی و مصر می گذرد مقایسه ای انجام دهند این نگاه مقایسه ای از آن جهت بود که این کشورها به تمدن جدید نزدیکتر بوده و از نظر آنها دست کم در برخی امور مانند حمل و نقل پیشرفته به حساب می آمدند با مشاهده گوشه ای از تحولات جدید این افراد برای عقب ماندگی ایران افسوس می خوردند .

در بین سفرنامه نویسان مورد بررسی قرار گرفته جمعی از آنها به اشکال مختلف وضعیت کلی ترقی در مصر را با ایران مقایسه کرده اند از آن جمله حسام السلطنه ضمن اذعان به آبادانی مصر که با عثمانی و مصر را با اسماعیل پاشا هستند بیان می دارد که مملکت مصر در ترقی با برخی دولت ها (منظور دولت های پیشرفته غربی) برابری می کند . « ولی مصر جدید آباد است و محمدعلی پاشا باعث آبادی آن شد. عمارت ها و خیابان ها و باغ ها بنا نهاد و بعد از او اسماعیل پاشا قرض ها کرد و مخارج ها نمود، محله اسماعیلیه را او بنا نهاد و خیابان های وسیع انداخت » (حسام السلطنه ، ۱۳۷۴ : ۲۵۱) او در جای دیگر بیان می کند : « الحق مملکت مصر طوری آباد شده است، و ملت و دولت آن به نحوی ترقی نموده است که برابری با بعضی دولت ها می کند » (همان : ۲۵۲) یا نایب الصدر شیرازی بیان می دارد : « خلاصه اوصاف معموری این ملک محتاج بیان نیست از صنایع و بدایع و جوامع و علوم ادبیه و لوازم مدنی و بقاع و تکایا و عمارات حدی ندارد . » (شیرازی ، ۱۳۸۹ : ۳۹۵) یا ظهیرالملک زمانی که بندر پرت سعید و کانال سوئز را توصیف می کند به همت و تلاش دولت و ملت مصر با کسب اروپاییان در برداشتن کوهی بزرگ اشاره می کند . « کوهی بزرگ در میان دریا بوده که فرنگیان قطعه اروپا که در صنایع و ترقیات ظاهره کسب درجات عالی نموده اند دامن همت بر کمر زده پای ثبات فشرده به دستبازی دولت و پایدردی ملت کوهی به این عظمت از میان برداشتند با چندین کرور پول ، الحق گوارا باد بر آنها » (ظهیر الملک ، ۱۳۸۹ : ۶۶۵) یکی از بهترین مقایسه ها را ناصر السلطنه انجام می دهد او ضمن اینکه اعتراف می کند آبادانی مصر از طریق قرض گرفتن از انگلیس بوده است اما بیان می دارد این قرض صرف آبادانی مملکت شده است در حالی که در ایران استقراض ها تنها جیب چند نفر را پراز پول کرده است « حقیقتاً خدیو ها خیلی آبادی کرده اند خاصه اسماعیل پاشا اگر چه به واسطه قرضی که از انگلیس کرده مصر را به باد داده ولی قسمی همه جا را آباد کرده که

انسان در حیرت است ایران هم قرض کرده ولی جیب چند نفر معین پر شده و مملکت مقروض ماند اولاً در مقابل این خیانت در مملکت کرده باشند تف بر این زندگی باز آتش گرفته» (ناصر السلطنه، ۱۳۹۲: ۶۸۰)

سیف الدوله در بخش معرفی کارخانه های مصر به عدم وابستگی مصریان به خارج اشاره دارد. البته زمان نگارش سفرنامه سیف الدوله قبل از اشغال مصر توسط انگلستان و قیام اعرابی پاشا است. «محمد علی پاشا مردم مصر را زیاد خوب تربیت کرده است. به هیچ وجه محتاج خارج نیستند. هر صنف مردم از خود دارند.» (سیف الدوله، ۱۳۶۴: ۱۱۷)

ملاعاشور بخارایی زمانی که شهر اسکندریه را توصیف می کند به وجود آثار صنایع غربی و هنرهای بدیع در این شهر اشاره می کند که توسط اروپایی ها ساخته شده است. «آثار صنایع غربیه در این جا فرنگیان بسیار گذاشته و احداث هنرهای بدیعه نمودند. (راه آهن و تلگراف) اینها از جمله اعمال مذهبی بر ملتی نبود که به مقتضای شرایع و ادیان منسوخ گردد بلکه کاری دولتی و سلطنتی که هم منفعت سلاطین و هم مصلحت رعایا» (بخارایی، ۱۳۸۹: ۹۴۴).

محمدرضا طباطبایی در هدایه الحجاج مصر را آبادترین بلاد مشرق زمین می داند. «(مصر) در سنه ۱۲۱۶ ه. ق از تصرف دولت فرانسه خارج شد و بعد از آن به تدریج مرحوم محمد علی پاشا مسلط شده به تدبیر و تقدیر به ولایات دیگر استیلا یافته، به شامات و حجاز و یمن به نفسه حکومت کرد و چند سال با دولت عثمانی منازعه نمود شرح حالات او از قراری که ذکر می کردند خیلی مرد مدبر عاقلی بود پس از آن که خطه مصر را به خود او واگذار نمودند روز به روز برآبادانی آن جا افزوده اکنون مملکت مصر معمورتر از سایر بلاد مشرق زمین محسوب می شود» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). جلال الدین عظیم آبادی هم در سفرنامه خود آبادی مصر را از همه شهرهایی که در مغرب و مشرق دیده بالاتر می داند «حال خوش اسلوبی و رونق و آبادی شهر مصر بر همین قدر اکتفا کنم که چندان که در سفر مشرق و مغرب من خود دیده ام از همه ها بالاتر تصور می کنم (عظیم آبادی، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

فرهاد میرزا معتمد الدوله ضمن اذعان به این نکته که باعث آبادی مصر محمد علی پاشا بود و اولاد او به ویژه اسماعیل پاشا این امر را تکمیل کردند (معتمد الدوله، ۱۳۶۶: ۹۸) زمانی که از مکتبخانه علمی و مدرسه عمومی مصر بازدید می کند با عبارت الحق خیلی ترقی کرده اند به پیشرفت مصری ها اشاره دارد (همان: ۱۱۲)

نکته جالبی که فرهاد میرزا طی صحبت با خیری پاشا وزیر داخله مصر بدان اشاره دارد مرادوات محمد علی پاشا با عباس میرزا بود و تاسف می خورد که این مرادوات اکنون ادامه ندارد، شصت سال قبل که اوضاع دولت ها این طور نبود و دولت عثمانی محکم تر از حالا بود محمد علی پاشا جد خدیو از عقل و فراستی که داشت با مرحوم ولیعهد عباس میرزا طرح دوستی انداخته همیشه مراده و مکاتبه داشتند که حاجی حیدرعلیخان شمشیر مرصع برای ایشان آورد حالا چه اتفاق افتاده است که خدیو با این بینش و دانش با دولت ایران هیچ مراده ندارد (همان: ۱۱۵)، به نظر می رسد فرهاد میرزا که فرزند عباس میرزا است به خوبی به وضعیت دنیای جدید و لوازم ترقی و پیشرفت

همانند پدرش آگاه است که در این قسمت به مراودات محمد علی پاشا و عباس میرزا به عنوان شخصیت هایی که به دنبال پیشرفت و ترقی در ممالک خود بوده اند اشاره دارد و این نکته را مورد پرسش قرار می دهد که چرا این مراودات در زمان آن خلافت و این دو ادا مه نیا رفت .
 نعمت فسایی آبادی آزادی مصر را بی نهایت بیان کرده و با اشاره با وجود چراغ های گازی در شهر قاهره و روشنایی در شب بیان می کند که مردم از سرشب تا صبح در این شهر و به رفت و آمد مشغول هستند (فسائی ، ۱۳۸۷ : ۶۰).

میرزا محمد مهندس نیز در خصوص ترقی و پیشرفت مصر بیان می دارد : کلیتاً در این زمان مملکت مصر از هر جهت حالت ترقی دارد و عملاً قریب هرگاه به همین طور در صدد مواظبت آبادی بگو شد مثل یکی از شهرهای خوب فرنگستان خواهد شد (مهندس ، ۱۳۸۷ : ۱۰۵) و در جای دیگری زمانی که به توصیف اهرام مصر می پردازد می نویسد : ترقی کردن مصر در این زمان قلیل اعجب از کار هرمان است. (همان : ۱۰۹)

توصیف شهرهای مصر

بیشتر سفرنامه نویسان ایرانی که شهرهای مصر را مورد بازدید قرار داده اند به ویژه آنهایی که شهرهای اروپایی هم دیده اند معتقدند شهرهای مصر به ویژه اسکندریه ، پرت سعید و سوئز از نظر سبک معماری ، کوچه ها ، و وجود راه شوسه و سنگفرش خیابان ها و... شبیه شهرهایی اروپایی است در خصوص قاهره بیشتر این سفرنامه نویسان معتقدند قاهره از دو قسمت تشکیل شده بخش فرنگی نشین و جدید شهر شبیه شهرهای اروپایی است ولی بخش قدیمی و عرب نشین آن قدیمی و دارای کوچه های تنگ و عمارات کهنه است از جمله زین العابدین شیروانی که احتمالاً در دهه اول سلطنت فتحعلیشاه در ایران قاهره را مورد بازدید قرار داده و مدت چهار ماه در این شهر اقامت کرده است ضمن بیان بزرگی این شهر از نظر جمعیت ، وسعت و ثروت این گونه این شرح را و صف می نماید «... دار الملک کشور مصر و تختگاه ملوک عصر است و آن شهریست عظیم و دیاریست کریم از اقلیم سیم ... جمیع عمارات و بیوتات آن دیار سه چهار طبقه است و همگی آن از سنگ رخام تراشیده حتی اندرون خانها و صحن عمارات و سطح بیوتات از سنگ رخام تراشیده مفروش گردیده... از حد انطاکیه به خط مستقیم الی کنار فرات و از لب فرات الی کنار جیحون بلکه الی آخر بلاد ختن بحسب وسعت و عظمت و جمعیت و جامعیت چنان شهری دیده نشده و از باب الابواب در بند الی ساحل عمان بلکه الی خط استوی در کثرت دولت و ثروت و برکت و مکنت مانند آن مدینه بنظر نیامده » (شیروانی ، بی تا : ۴۰۵) مولف نامعلوم سفرنامه شام و مصر در سال ۱۲۵۶ ه.ق شهر قاهره را این گونه توصیف می کند : «... اما مصر [قاهره] شهر بزرگ است که هیچ شهری به عظمت و بزرگی مصر [قاهره] نیست شهریست در نهایت خوبی و عمارتهای عالی و مساجد بسیار خوبی دارد ... چهار صد هزار کوچه بندی دارد . روز دومرتبه همه کوچه ها و بازارها از ترس پاشا آب پاشی می کنند . به این همتی در مصر بودیم و هر روز در کوچه ها و بازارها می گردیدیم . روز نمی شد که در کوچه ها را گم نکنیم » (سفرنامه

شام و مصر (۱۲۵۶ ه. ق.)، (۱۳۸۹: ۷۷۲) و یعقوب میرزای تبریزی در حج منصور در ۱۲۸۵ ه. ق در توصیف شهر سوئز از ساخت آن با طرح فرنگی یاد کرده و قاهره را هم از بهترین شهرها ذکر می کند (تبریزی، ۱۳۸۹: ۴۸۷) سیف الدوله در ۱۲۹۲ ه. ق در خصوص اسکندریه می نویسد « اسکندریه شهر آباد بزرگی است مثل یکی از شهرهای فرنگستان.....سکنه آن عرب و فرنگی و ترک اند. کوچه ها و بازارها اکثراً به رسم فرنگی است » (سیف الدوله، ۱۳۶۴: ۱۱۰) محمد رضا طباطبایی در ۱۲۹۶ ه. ق ساخت کوچه ها عمارت های اسکندریه را همگی به روش فرنگی ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). او در خصوص قاهره بیان می کند که در زمان محمد علی پاشا روز به روز برآبادانی قاهره افزوده شده و در زمان اسماعیل پاشا هم به وسعت و آبادی این شهر افزوده شده است از جمله ششصد کوچه جدید ساخته که عرض هر کدام ۳۵ متر بوده و همگی سنگفرش شده و دارای درختانی به نام سول هستند که باعث سایه شدن کوچه شده است (همان: ۱۲۸) میرزا عبدالحسین خان افشار در ۱۲۹۹ ه. ق آبادی پرت سعید را به وسیله فرنگی ها دانسته و اینکه این شهر مثل شهرهای فرنگستان ساخته شده است او درباره اسماعیلیه هم همین نظر را دارد و معتقد است مثل شهرهای فرنگستان ساخته شده است (افشار، ۱۳۸۹: ۵۴۸ و ۵۵۲) فراهانی در بازدید خود از سوئز در ۱۳۰۲ ه. ق آن را شهری کوچک با بازارهای تنگ و کوچه های وسیع بدون سنگفرش ذکر کرده و بیان می دارد « شنیدم سابقاً سویس (سوئز) آبادتر از این بوده از وقتی قنال سویس باز شد پرت سعید که متصل به این قنال است آباد و بندرگاه گردید و این (شهر) از رونق افتاد » (فراهانی، ۱۳۶۲: ۱۵۴). نایب الصدر شیرازی در ۱۳۰۵ ه. ق قاهره را عروس بکر ممالک عالم توصیف می کند (نایب الصدر شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۹۵) حاجی پیرزاده در ۱۳۰۶ ه. ق کوچه های داخل مصر آنها را بسیار تنگ و معوج و خانه ها را قدیمی ساخت بیان می کند اما ذکر می کند اسماعیل پاشا خدیو سابق که پدر توفیق پاشا خدیو کنونی است در بیرون شهر ششصد کوچه و خیابان جدید ساخته که تمام اطراف خیابان ها خانه ها و عمارت های عالی وجود دارد مثل فرنگستان و خانه ها بیرون شهر معتبرتر و گرانتر از خانه های درون شهر است (حاجی پیرزاده، ۱۳۴۲: ۱۶۶) امیرنظام قراگوزلو در ۱۳۱۷ ه. ق در توصیف اسکندریه بیان می دارد « نصف شهر اروپایی است که خانه ها و خیابان ها را به طرز فرنگ ساخته اند. ترن های الکتریک دارد. خانه های عالی و هتل های عالی دارد » (امیرنظام قراگوزلو، ۱۳۸۹: ۲۱۷) او ساخت خانه های سوئز را هم به طرز اروپایی بیان کرده است (همان: ۲۴۴) (ناصرالسلطنه در همان سال ۱۳۱۷ ه. ق در خصوص سه محله اسماعیلیه، اوزبکیه و عباسیه قاهره بیان می دارد: « خلاصه سه محله قاهره که حقیقاً بهترین جاها و تماشاگاه هاست. اسماعیلیه و اوزبکیه و عباسیه است که اغلب فرنگی ها در این نقطه ساکن و عمارت های پنج و شش مرتبه و کوچه ها وسیع سنگ فرش و تمیز و اغلب جا، در چهارره ها حوض ساخته قریب صد هتل می گویند که در قاهره هست که بزرگتریم هتل، جزیره است می گویند هفتصد اطاق دارد در ماههای دلو و حوت (بهمن و اسفند) که فصل خوش و خوب مصر است تمام از سیاح فرنگی پر شده » (ناصرالسلطنه، ۱۳۹۲: ۶۷۷) نعمت فسائی نیز در سال ۱۳۱۷ ه. ق خیابان های سوئز را بسیار وسیع بیان نموده (نعمت فسائی، ۱۳۸۷: ۵۰) و از منظره ای به نام هلوان نام می برد که دارای آب گرم

معدنی بسیار مناسبی است (همان : ۵۵) همچنین این سفرنامه نویس در قسمت دیدگری از سیاحتنامه خود در توصیف شهر اسکندریه این شهر را شهری آراسته و نظیف بیان نموده که تمامی خیابان ها و کوچه های آن با سنگ تراشیده مربع سنگ فرش شده است (همان : ۶۱) مدیر الدوله در ۱۳۲۱ ه. ق اسکندریه را شهری معتبر و دارای عمارات و ابنیه بسیار ذکر کرده که خیابان های متعددی دارد که اغلب با سنگ تراشیده و مابقی سوشه هستند. و از حیث پاکی و تمیزی به اسلامبول ترجیح دارد (مدیر الدوله ، ۱۳۹۲ : ۳۶۴). میرزا داود در ۱۳۲۲ ه. ق در توصیف پرت سعید آنرا شهری خیلی خوب دارای خیابان ها و عمارت ها مناسب و درخت های سر سبز و خرم نارنج و زیتون و سرو و کاج و شهری باصفا ذکر کرده است (میرزا داود ، ۱۳۷۹ : ۸۵).

نتیجه گیری

با بررسی های صورت گرفته در سفرنامه های ایرانیانی که مصر را مورد بازدید و یا توجه قرار داده اند به نظر می رسد روند نوگرایی و نوسازی در مصر عصر خدیوان (محمد علی پاشا و جانشینانش) از چشم این سفرنامه نویسان دور نماند و بیشتر آنها مواردی از نوگرایی مانند مدارس جدید، راه آهن، اصلاحات قضایی، شهرسازی، اصلاحات نظامی و ... را مورد واکاوی قرار داده اند از طرفی هرچند اقدامات آموزشی، نظامی و عمرانی در مصر در روند نوسازی و نوگرایی این سرزمین قابل توجه بوده است اما اصلاحات سیاسی و تغییر ساختار قدرت و حق حاکمیت ملت در مصر مورد توجه نبوده است و اگر چه مصر روند نوسازی را به عنوان سرزمینی ذیل امپراطوری عثمانی زودتر از سایر سرزمین های این امپراطوری آغاز نمود و به تدریج از عثمانی مستقل گردید اما با توجه به نفوذ قدرتهای غربی به ویژه انگلستان در این سرزمین طعم استعمار را چشیده و کشوری کاملاً مستقل و بدون وابستگی به قدرتی خارجی در دوره مورد بحث نشد و به نوعی سرزمینی وابسته به انگلستان و تحت سیطره این کشور بود. به لحاظ تاریخی می توان مصر عصر خدیوان را به نوعی مانند ایران دوره پهلوی اول و ترکیه عصر آتاتورک دانست سرزمینی با اصلاحات و نوگرایی و نوسازی فراوان در عرصه های آموزشی، نظامی، قضایی، عمرانی، شهرسازی، اجتماعی و ... ولی بدون توجه به اصلاحات سیاسی و اداره سرزمین با یک دیکتاتوری نظامی که البته در مورد مصر با دخالت و نفوذ فراوان کشوری مانند انگلستان نیز همراه بود با بررسی آماری سفرنامه ها به ویژه سفرنامه های حج می توان پی برد که به لحاظ طبقه اجتماعی مصر بیش از هر گروهی مورد توجه شاهزادگان و درباریان قاجاریه بوده است و مردم عادی که به سفر حج می رفتند کمتر مصر را مورد توجه قرار می دادند.

منابع

کتاب

۱- جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، پنجاه سفرنامه حج قاجاری (هشت جلد)، تهران، انتشارات علم

- جلد ۱: *سفرنامه مکه محمد ولی میرزا قاجار*، سفرنامه مکه میرزا علی اصغر خان اعتماد السلطنه، تذکره الطریق کرنا تکی.
- جلد ۲: *منازل قمریه در سوانح سفریه علی حسین بن خیرات علی*، حج منصور یعقوب میرزای تبریزی.
- جلد ۴: *سفرنامه مکه عبدالحسین افشار*، سفرنامه مکه ملاعاشور بخارایی.
- جلد ۵: *سفرنامه مکه نایب ال صدر شیرازی*، سفرنامه مکه محمدرضا ظهیر المملک.
- جلد ۷: *تفصیل سفر مکه معظمه مدیر الدوله*، سفرنامه مکه معظمه امیر نظام (حاجی عبدالله) قراگوزلو.
- ۲- جعفریان، رسول (۱۳۹۲)، *چهارده سفرنامه حج قاجاری دیگر (سفرنامه مکه - فرنگ نا صری نا صر السلطنه، سفرنامه جلال الدین عظیم آبادی)*، تهران، انتشارات علم.
- ۳- جعفریان، رسول (۱۳۹۵)، *شانزده سفرنامه حج صفوی و قاجاری (مجلد دهم از سفرنامه های حج قاجاری)*، تهران، انتشارات علم (رساله در منازل حج علی بن میرزا خیرات علی).
- ۴- میرزا، ابوطالب خان (۱۳۹۵)، *مسیر طالبی*، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- کیکاووس، میرزا قاجار (۱۳۹۴)، *سفرنامه مکه*، گردآورنده رسول جعفریان، تهران، نشر علم.
- ۶- میرزای تبریزی، یعقوب (۱۳۸۸)، *حج منصور*، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم.
- ۷- سیف الدوله سلطان، محمد قاجار (۱۳۶۴)، *سفرنامه مکه*، به تصحیح و تحشیه علی اکبر خداپرست، تهران، نشرنی.
- ۸- معتمد الدوله، میرزا فرهاد (۱۳۶۶)، *هدایه السبیل و کفایه الدلیل*، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران، نشر زوار.
- ۹- سلطان مراد میرزا، حسام السلطنه (۱۳۷۴)، *سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، نشر مشعر.
- ۱۰- خان افشار، میرزا عبدالحسین (۱۳۸۶)، *سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم.
- ۱۱- فراهانی، محمد حسین (۱۳۶۲)، *سفرنامه مکه*، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۲- پیرزاده نایینی، حاجی محمد علی (۱۳۴۲)، *سفرنامه مکه*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، انتشارات داذ شگاه تهران.
- ۱۳- تکابی، حاج سلیم خان (۱۳۸۹)، *سفرنامه حج*، محقق رسول جعفریان، تهران، نشر مورخ.
- ۱۴- امین الدوله، میرزا علی خان (۱۳۹۰)، *سفرنامه مکه*، گردآورنده اسلام کاظمیه، تهران، نشر توس.
- ۱۵- هدایت، مخبر السلطنه (۱۳۶۸)، *سفرنامه مکه معظمه*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات تیراژه.
- ۱۶- وزیر و وظایف، میرزا داود (۱۳۷۹)، *سفرنامه مکه*، به کوشش علی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر.

- ۱۷- شیروانی، زین العابدین (بی تا) ملقب به مستعلی شاه، *بستان السیاحه*، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۱۸- شیروانی، زین العابدین (۱۳۷۰)، *حدائق السیاحه*، با مقدمه سلطان حسین تابنده و پیشگفتار سید مصطفی آزمایش، پاریس.
- ۱۹- کرمانشاهی، آقا احمد (۱۳۷۳)، *مرآت الاحوال جهان نما*، محقق: موسسه علامه وحید بهبهانی، قم.
- ۲۰- شوشتری، میرعبدالطیف خان (۱۳۶۳)، *تحفه العالم و ذیل التحفه*، سفرنامه و خاطرات، به اهتمام صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۲۱- نعمت فسائی، میرزا محمود خان، *دو سفرنامه: سیاحتنامه مصر و اسلامبول و میرزا محمد مهندس*، راپورت و کتابچه در سیاحت مصر و بیان هرمان (۱۳۸۷)، با مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، به کوشش اکرم حسن آبادی، قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۲- میرزا نایب الایاله، رضا قلی (۱۳۴۶)، *سفرنامه*، با مقدمه سعید نفیسی به کوشش اصغر فرمانفرمای قاجار، انتشارات دانشگاه.
- ۲۳- طباطبایی، محمد رضا (۱۳۸۶)، *هدایه الحجاج سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، قم، نشر مورخ.

مقاله

- ۲۴- مولف نامعلوم، *سفرنامه شام و مصر به کوشش رسول جعفریان*، «نشریه پیام بهار ستان»، ۲، ۲، ۱۲۵۶ (ق.ه).

نسخه خطی

- ۲۵- نجفقلی، میرزا والی، *رموز السیاحه*، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره ۴۷۰۵ ش ۸، تابستان ۱۳۸۹